



۲۰۱۸/۱۰/۲۹



داکتر حیدر داور

مناجات

ماتمسرا شده وطنِ چون بهشت ما
رحمی بکن به ملتِ بی سرنوشت ما

ای خالقی که کون و مکان آفریده ای
بی شک که تو زمین و زمان آفریده ای
شعرم به نام اقدست آغاز می کنم
عرضم به بارگاه تو ابراز می کنم
ای آفریدگار، که من بنده تو ام
من بنده حقیر و سرافکنده تو ام



عصیانگران ظالم و قدرت پرست را
چشم حریص جانب بیگانه دوختند
خِده به نام اقدست اسلامیت کنند
با دشمنان به کشتن ما عقد بسته اند
عشرتسرای کشور ما کربلا کنند
کاخ رژیم ظلم و ستم واژگون شود
خلد وطن چو دوزخ، دریای خون شده
رحمی بکن به ملتِ بی سرنوشت ما

این مسلمین منحرف از حکم تو چرا
ایمان خود به جیفه دنیا فروختند
خود دعوی امارت و روحانیت کنند
اکنون همه به کرسی قدرت نشسته اند
تا که غرور و نخوت ما زیر پا کنند
یارب چنان بکن که عدو سرنگون شود
رحمی نما که مردم ما بس زیون شده
ماتمسرا شده وطنِ چون بهشت ما



یاری بکن که خدمت خلق ترا کنم باشد که فقر و حاجت مردم دوا کنم
میهن نجات از ستم اهریمن دهم این سر، به پای ملت و اهل وطن دهم
جرم مرا ببخش که من خادم تو ام شرمنده عدالت تو، نادم تو ام

آیا بُود که در حق ما داوری کنی

مارا رها ز قدرت و زوراوری کنی

** * **

تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که اشعار و غزلیات بیشتر این شاعر آزاده و وطنپرست افغانستان را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده (داکتر حیدر داور) در صفحه مقالات به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

